

تعاملات مفاهیم «امت اسلامی» و «تکافل اجتماعی»

با رویکرد قرآنی

مصطفی کاظمی نجف آبادی*

سیدرضا حسینی**

چکیده

نظامات زندگی در هر جامعه‌ای به منظور پاسخ‌گویی به نیازها و متناسب با مبانی اعتقادی و ارزش‌های فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرند. موفقیت و پایداری این نظام‌ها بیش از هر چیز دیگری در گرو سازگاری مبانی آنها با قوانین و واقعیت‌های حاکم بر عالم هستی به‌ویژه عالم انسانی است. نیازهای معیشتی از جمله مهم‌ترین نیازهایی است که برای پاسخ به آن تاکنون انواع متعددی از نظامات سوسیالیستی و لیبرالیستی و... تشکیل شده است. بدون تردید یکی از مبانی اصلی این نظامات نوع نگرش آنها به واقعیت فرد و جامعه و نوع روابط موجود فیما بین آنهاست. مدعای پژوهش حاضر آن است که قرآن کریم برای عالم انسانی مفهوم ویژه‌ای به نام «امت» را مطرح کرده است که متفاوت از مفاهیم رایجی چون فرد و دولت است. این مفهوم دارای آثار و احکام مهمی به‌ویژه در زمینه نیازهای معیشتی انسان است. «تکافل اجتماعی» از جمله مهم‌ترین مفاهیم قرآنی و اسلامی است که در این ارتباط و به‌عنوان یکی از ارکان نظام تأمین اجتماعی و پاسخ‌گویی به نیازهای معیشتی مطرح گردیده است. هدف پژوهش تبیین مفاهیم، مبانی، ویژگی‌ها و تعاملات این دو مفهوم در ارتباط با مسئله تأمین اجتماعی، در رویکرد اسلامی است. روش به‌کار گرفته در این تحقیق از منظر هدف، از قبیل تحقیقات بنیادی-نظری است و از منظر ماهیت و روش در قلمرو تحقیقات توصیفی-تحلیلی به حساب می‌آید. مقاله به این نتیجه می‌رسد که در فرهنگ قرآنی امت اسلامی به مثابه پیکری واحد معرفی شده که ارتباط بین اعضای آن، ارتباطی از جنس ولا و دستگیری است و از این‌رو تکافل اجتماعی از خصائص امت اسلامی است که در غیاب آن هیچ سازوکاری قادر به حل موفقیت‌آمیز و پایدار مشکلات معیشتی جامعه نخواهد بود.

واژگان کلیدی: امت، تکافل اجتماعی، تأمین اجتماعی، رویکرد قرآنی.

مقدمه

رابطه اخوت و برادری شاکله اصلی و حیاتی روابط در میان امت اسلامی است (حجرات، ۱۰). اسلام نسبت به همبستگی و پیوندهای جامعه مسلمانان اهتمام فراوانی داشته است. از این رو در قرآن کریم آحاد جامعه اسلامی امت واحده خطاب شده (انبیاء، ۹۲) و مؤمنان برادران یکدیگر معرفی شده‌اند (حجرات، ۱۱) که بایستی در تمامی ابعاد فرهنگی، اجتماعی اقتصادی و سیاسی یار و یاور یکدیگر باشند. بدون تحقق تکافل همه جانبه در جامعه مسلمانان نه معنای امت تحقق می‌یابد و نه رنگ و بویی از اسلام باقی خواهد ماند. این تحقیق برای تبیین این مدعا که تکافل اجتماعی زیر بنای تشکیل امت اسلامی و شاکله اصلی تحقق آن است. از بازشناسی واژگان تکافل و امت ناگزیر است. بنابراین در بخش اول معنای لغوی و اصطلاحی تکافل مورد بررسی قرار گرفته سپس مبانی تکافل اجتماعی تبیین شده است و در بخش دوم واژه امت در اصطلاح قرآن و حدیث مورد مطالعه قرار گرفته سپس به دلالت‌ها، ویژگی‌ها، خصائص و الزامات امت اسلامی پرداخته شده است. در بخش سوم تعاملات مسلمانان در لوای امت اسلامی مورد مطالعه واقع شده و در نهایت پس از اثبات تلازم معنایی واژگان تکافل اجتماعی و امت اسلامی، به تبیین و اثبات فرضیه تحقیق پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

با توجه به دو بعدی بودن موضوع تحقیق ابتدا پیشینه مربوط به تکافل اجتماعی اشاره می‌شود سپس اهم مطالعات پیرامون امت اسلامی مرور می‌گردد و در ادامه تفاوت این تحقیق با سایر تحقیقات تبیین می‌گردد.

الف) تکافل اجتماعی: از آنجا که تکافل اجتماعی بخشی از برنامه جامع تأمین اجتماعی در اسلام است، بخش گسترده‌ای از ادبیات این موضوع را باید در ضمن ادبیات تأمین اجتماعی جستجو کرد. برخی آثار نیز با عنوان خاص تکافل اجتماعی ارائه شده است که به نمونه‌هایی از هر یک از آنها اشاره می‌شود.

سیدرضا حسینی (۱۳۹۳) در کتاب الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، راهکار تکافل اجتماعی را به‌عنوان یکی از راهکارهای سه‌گانه تأمین اجتماعی در اسلام (در کنار راهکارهای تدارک خصوصی و تضامن دولتی) معرفی نموده است. احمد قابل (۱۳۸۳) در کتاب اسلام و تأمین اجتماعی: مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی معتقد است که راهبردهای حمایتی و امدادی تأمین اجتماعی مرسوم در پوشش مفاهیمی چون تکافل اجتماعی مستقیماً قابل استناد به نصوص اسلامی است. محمد ابوزهره (۱۹۹۱) در کتاب *التکافل الاجتماعي فی الاسلام* پس از تبیین مبانی اعتقادی، اخلاقی، حقوقی و فقهی

رویکرد اسلام به تأمین اجتماعی، منابع و مصارف تکالیف الزامی و تبرّعی اسلام را در تطبیق با موارد تحت پوشش تأمین اجتماعی متعارف بررسی نموده است. عبدالله ناصح علوان (بی‌تا)، در کتاب *التکافل الاجتماعی فی الاسلام تکافل اجتماعی در اسلام* را بر مبنای احکام و ضوابط اسلامی توضیح داده است. مهم‌ترین و مؤثرترین دیدگاهی که تاکنون در ادبیات اقتصاد اسلامی در این زمینه ارائه شده است، دیدگاه شهید صدر رحمته‌الله در انتهای کتاب *شریف اقتصادنا* است. ایشان تأمین اجتماعی را در کنار توازن اجتماعی به‌عنوان یکی از دو پایه و معیار عدالت اجتماعی معرفی کرده‌اند که متشکل از دو برنامه تکافل اجتماعی (وظایف مردم در مقابل همدیگر و ضمان اعاله (وظایف دولت در قبال نیازمندان) است. به اعتقاد ایشان وظیفه واجب مردم در حد تأمین نیازهای ضروری و درجه اول نیازمندان است در حالی که دولت موظف است سطح زندگی طبقات پایین جامعه را به سطح عمومی معیشت جامعه ارتقا دهد.

ب) *امت اسلامی*: قرضاوی در کتاب *الامه الاسلامیه حقیقه لا وهم*، به تبیین امت اسلامی پرداخته است. احمد حسن فرحات در کتاب *الامه المسلمه* پس از تبیین مفهومی امت اسلامی تلاش کرده است تا مقومات آن را شناسایی کند. محمد عبدالجبار در کتاب *الامه فی المفهوم اسلامی*، توانسته است که از منظر اسلام مفهوم امت را به خوبی بازشناسی نماید. هشام جعفر (۲۰۰۰م) در کتاب *مفهوم الامه* تلاش کرده است تا سه واژه امت، دین و سلطه را از یکدیگر تفکیک نماید و تمایزات آنها را بازگو نموده است. ناصیف نصار در کتاب *مفهوم الامه* تلاش نموده تا مفهوم امت را هم از لحاظ دینی و هم از لحاظ تاریخی مورد بررسی قرار دهد. حمیدی در کتاب *مفهوم الامه* تلاش دارد تا به‌طور کامل این واژه را از منظر قرآن کریم و حدیث شریف بازشناسی نماید.

هرچند در این دو حوزه کتاب‌ها و مقالات فراوانی به رشته تحریر درآمده است ولیکن این تحقیق از این منظر با آنها متفاوت است که تلاش نموده که پیوند ناگسستنی بین تکافل اجتماعی و امت اسلامی را تبیین کرده و اثبات کند که تکافل اجتماعی زیر بنای اصلی تشکیل و تحقق امت اسلامی است.

ملاحظه روش شناختی

تحقیقات علمی را می‌توان به سه گروه تحقیقات بنیادی، کاربردی و علمی تقسیم کرد. مقاله حاضر در قلمرو تحقیقات بنیادی به‌شمار می‌آید. این تحقیقات که تحقیقات مبنایی یا پایه‌ای نیز نامیده می‌شود در جستجوی کشف حقایق و واقعیات‌ها و شناخت پدیده‌ها، مرزهای دانش عمومی بشر را توسعه داده قوانین علمی را کشف و اصول و فرضیه‌ها را آزمایش می‌کنند. تحقیقات بنیادی از نظر روش تحلیل به دو دسته تقسیم می‌شوند. ۱. تحقیقات بنیادی تجربی؛ ۲. تحقیقات بنیادی نظری، مقاله حاضر از لحاظ روش در قلمرو تحقیقات بنیادی نظری به‌شمار می‌آید. این‌گونه تحقیقات اطلاعات با روش کتابخانه‌ای

گردآوری و با روش‌های مختلف تجزیه و تحلیل عقلایی شده و به نتایج دسترسی پیدا می‌کند. همچنین تحقیقات علمی براساس ماهیت و روش به‌گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که یکی از آن‌گونه‌ها که در مقاله حاضر پیگیری شده است تحقیق توصیفی است در تحقیقات توصیفی، محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است. تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی دارد و هم جنبه مبنایی. در بعد کاربردی از نتایج در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی استفاده می‌شود و در بعد بنیادی یا مبنایی به کشف حقایق و واقعیت‌های جهان خلقت می‌پردازد. تحقیقات توصیفی از نظر شیوه نگرش به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) تحقیقات توصیفی محض: محقق صرفاً به کشف و تصویرسازی ماهیت و وضعیت موجود مسئله می‌پردازد؛ ب) تحقیقات توصیفی-تحلیلی: محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله می‌پردازد. مقاله حاضر در شیوه نگارش از منطق توصیفی-تحلیلی پیگیری شده است (عسکری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۰-۸۳).

واژه‌شناسی تکافل اجتماعی

معجم مقاییس اللغه می‌گوید: حروف کاف و فاء و لام با یکدیگر دلالت بر تعهد شیئی برای شیئی دیگر می‌کند و کفیل یا ضامن از همین باب می‌باشد. راغب اصفهانی نیز می‌گوید: کفالت عهده‌دار شدن و تضمین امری تا مرز کفایت است. مثلاً کلام خداوند تبارک و تعالی در آیه ۲۳ از سوره مبارکه ص (أَكْفُلْنِيهَا) به معنای این است که مرا کفیل و عهده‌دار و ضامن امور او گردان. از بررسی کتب لغت و استعمالات قرآنی به دست می‌آید که کفالت به معنی عهده‌دار شدن و تضمین نیازمندی‌های انسان تا رسیدن به مرز کفایت است. چنان‌که در آیه ۴۴ از سوره آل‌عمران و آیه ۴۰ از سوره طه نیز در همین معنی به‌کار رفته است.

تکافل اجتماعی در ادبیات اقتصاد اسلامی، اصطلاح جدیدی است که برای روشن شدن آن به برخی از تعاریف ارائه شده در کتب اندیشمندان مسلمان اشاره می‌کنیم.

۱. عبدالله ناصح علوان: تکافل اجتماعی یعنی افراد جامعه بدون در نظر گرفتن موقعیت فردی یا اجتماعی و بدون در نظر گرفتن جایگاه مسئولیتی خود پشتیبان یکدیگر و یاور هم باشند. این پشتیبانی می‌تواند در امور ایجابی مثل مواظبت از ایتم و یا در امور سلبی همانند تحریم احتکار باشد. انگیزه این همیاری از اصل اعتقاد به اسلام می‌جوشد تا اینکه فرد بتواند در حمایت جامعه زندگی کند و جامعه بتواند با همیاری افراد به حرکت خویش ادامه دهد و همه افراد برای تشکیل جامعه فاضله با یکدیگر تعاون و همکاری نمایند و ضرر را از افراد جامعه دور نماید (عبدالله ناصح علوان، تکافل الاجتماعی، ص ۱۵).

۲. دکتر محمد زاهدی اصل: تکافل یعنی کفالت کردن، عهده‌دار شدن امری، به عهده گرفتن چیزی در عوض کسی و تکافل در باب تفاعل، یک امر متقابل و دو طرفه است یعنی مسئولیت‌ها و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به هم دارند، یعنی تشریک مساعی و تعاون و معاضدت افراد یک جامعه در جهت مرتفع ساختن مسائل و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی، یعنی امداد نیازمندان جامعه و تأمین احتیاجات محتاجان (محمد زاهدی اصل، مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام، ص ۸۵ و ۸۶).

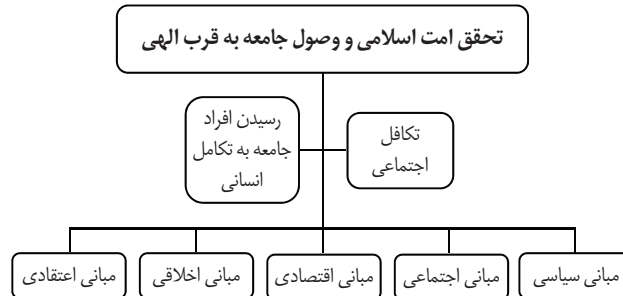
۳. دکتر محمد ابوزهره: مقصود از تکافل اجتماعی در معنای لفظی این است که همه افراد در پی برآوردن نیازها و انجام دادن کارهای جامعه خود باشند و هر توانای قدرتمندی با بر عهده گرفتن کارهای جامعه خویش، برای نیکی رسانیدن بدان بشتابند. هر نیرویی در اجتماع وجود دارد نخست برای نگهداری سودمندی‌هایی یکایک افراد و از بین بردن زیان‌ها یکجا به کار افتد، سپس به پاسداری از ساختمان اجتماع، بر پایه زیان‌زدایی، و بنیان گذاشتن آن بر شالوده‌هایی راست و درست پردازد.

تکافل اجتماعی ایجاب می‌کند نیاز نیازمندانی که توانایی انجام کاری ندارند برآورده شود، بیچارگان با چاره شوند، برای توانایان کار تهیه شود، نسل در حال رشد چنان پرورش داده شود که همه آمادگی‌ها و نیروهای نهفته آنان آشکار شود، خردسالانی که تازه به زندگی روی آورده و پدر خود را از دست داده‌اند، سرپرستی شوند، جامعه وظیفه دارد در زندگی کارگرانی که پس از مدت‌ها خدمت و بهره‌رسانی ناتوان شده‌اند در برابر خدمت‌های خود به جامعه در روزگار نیرومندان، تسهیلاتی فراهم آورد (محمد ابوزهره، (۱۳۵۸ش)، ص ۱۷-۲۰، ترجمه محمد مهدی جعفری).

از بررسی کلمات اندیشمندان مسلمان به دست می‌آید که تکافل اجتماعی در مکتب اسلام، منحصر به تکافل اقتصادی نیست و شامل حوزه‌های دیگری چون تکافل علمی، تکافل سیاسی، تکافل دفاعی، تکافل اخلاقی و... و به طور کلی شامل تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی انسان می‌شود (ر.ک: عباس جعفر حاجی، (۱۴۰۸هـ-۱۹۸۷م)، ج ۱، ص ۲۸۸؛ دکتر محمد فاروق البنهان، (۱۹۷۰م)، ص ۳۸۵-۳۹۷، احمد عبدالعال، (۱۴۱۸ق)، ص ۱۳ و البهی الخولی، (۱۴۰۱هـ)، ص ۳۳۶).

مبانی تکافل اجتماعی

دستورات اسلامی بر وجود تکافل اجتماعی در اجتماع بر مبانی محکم اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی استوار است طبق تمامی این مبانی، برای نائل شدن جامعه اسلامی به اهداف عالیه تکامل انسانی و معنوی فرد فرد جامعه و تشکیل امت اسلامی و وصول جامعه به قرب الهی، ضرورت تقویت تکافل اجتماعی بیش از پیش احساس می‌گردد.



نمودار شماره (۱): چگونگی تحقق امت اسلامی و وصول جامعه به قرب الهی

مبانی اعتقادی

پایه‌های اعتقادی تکافل اجتماعی در نظام الهی، شامل برخی گزاره‌های اساسی درباره حقایق عالم هستی است که در شکل‌دهی به الگوی تکافل اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌نمایند، اهم این گزاره‌ها عبارتند از:

الف) خداوند آرامش‌دهنده حقیقی: دستیابی به اهداف تکافل اجتماعی از این منظر که به دنبال برقراری آرامش و امنیت روانی برای افراد و رفع نگرانی‌های آنها نسبت به آینده است مستلزم درک صحیح از حقیقت آرامش و امنیت انسان و عوامل زمینه‌ساز آن است. براساس تعالیم قرآنی آرامش‌دهنده حقیقی انسان خدای متعال است (حشر، ۲۳) و خداوند را از آن جهت مؤمن می‌نامیم که به بندگان خود امنیت می‌بخشد (قریش، ۴؛ فتح، ۴). قرآن کریم امنیت و آرامش خاطر واقعی انسان را در گرو ایمان به خدا و یاد او می‌داند (رعد، ۲۸؛ انعام، ۸۲). چنانکه در نقطه مقابل کفر و اعراض از یاد خداوند را مایه ناامنی و تشویش خاطر انسان معرفی نموده است (حج، ۳۱؛ طه، ۱۲۴):

ب) تقوا بهترین پشتوانه برای زندگی آرامش‌بخش: تکافل اجتماعی پدیده‌ای است که در روابط میان افراد با یکدیگر رخ می‌دهد و از آنجا که انسان در این زمینه افزون بر حس نوع‌دوستی دارای انگیزه خودخواهی و طغیان نسبت به دیگران نیز هست، در شرایطی که نسبت به آینده اطمینان نداشته باشد ممکن است برای تضمین آینده خود درصدد طغیان و استثمار دیگران باشد. از این‌رو آرامش اجتماعی او مستلزم در اختیار داشتن دستورالعملی برای تنظیم روابط اجتماعی و برخورداری از انگیزه‌ای نیرومند برای رعایت آن است. خدای متعال چنین دستورالعملی را در قالب احکام و دستورات دینی در اختیار انسان قرار داده و رعایت آنها را تحت عنوان «تقوا» بهترین پشتوانه و مایه برخورداری از زندگی امن معرفی نموده است (اعراف، ۳۵؛ دخان، ۵۱؛ بقره، ۱۹۷) در برخی از آیات نورانی قرآن کریم تقوا

به‌عنوان کفیل زندگی انسان معرفی شده است (حدید، ۲۸). قرآن کریم خشنودی خداوند و رفتار برپایه تقوا را به بنیانی محکم تشبیه کرده است که در نقطه مقابل آن، کسی است که بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط پی‌ریزی کرده و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد (توبه، ۱۰۹-۱۱۰). قرآن همچنین با ترغیب به انفاق و ارائه مثال‌های متعددی، انفاق فی سبیل الله را راه حل مناسبی برای رفع نگرانی نسبت به آینده زندگی خود و بازماندگان، می‌داند (بقره، ۲۶۱-۲۸۱)؛

ج) ابتلای به فقر و غنی سنتی از سنت‌های الهی: در بینش اسلامی ابتلای به فقر و حوادث، از واقعیات عالم هستی است که خداوند به حکمت بالغه خودش آن را برای آزمایش بشر و کسب استحقاق رشد و تعالی او قرار داده است (بقره، ۱۵۵). بنابراین رفع نیازمندان باید در راستای این سنت الهی صورت پذیرد. به این معنا که وقتی فقیر برای کسب روزی تلاش می‌کند این تلاش موجب پیشرفت جامعه و خودش می‌شود و در صورتی که تلاش او قرین موفقیت ظاهری نباشد ضمن اینکه او توصیه به صبر و توکل شده است و ثروتمندان جامعه وظیفه دارند به او انفاق کنند و این کار مایه رشد و تعالی خود آنهاست. تأکیدات بلیغ و مداوم قرآن کریم به انفاق و تذکر نسبت به عواقب هلاکت بار ترک آن حاکی از این واقعیت است که انفاق در نظام الهی صرفاً یک مسئله عاطفی برای دلجویی از فقیران نیست، بلکه راهکار بی‌نظیر دستگاه خلقت برای پیشرفت و تعالی همه آحاد جامعه اعم از فقیر و غنی است. گویا همان‌طور که تشکیل خانواده توسط دو جنس مخالف، سنت الهی برای تکامل هر یک از آنها و حفظ نسل بشریت است، انفاق غنی بر فقیر هم قانون خلقت برای پیشرفت توأم با معنویت و عدالت فرد و جامعه است و در بسیاری از آیات قرآنی به این مطلب اشاره شده است (ر.ک: توبه، ۱۰۳؛ توبه، ۹۹؛ بقره، ۹۵؛ بقره، ۲۶۱؛ آل عمران، ۹۲)؛

د) خداوند تضمین‌کننده روزی همه مخلوقات: براساس عقیده قرآنی خداوند همه نیازهای انسان را در عالم طبیعت خلق کرده است (ابراهیم، ۳۴) و هیچ جنبنده‌ای نیست مگر آنکه خداوند روزی آن را تأمین نموده است (هود، ۶) قانون تکوینی و تشریحی خداوند، طریقه به دست آوردن روزی را معین کرده است: در قانون تکوین الهی گرچه تمامی اسباب و علل در نهایت به ذات مقدس الهی منتهی می‌شود؛ ولی اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که هر یک از موجودات روزی خود را به طریقی از طبیعت برداشت نمایند. گرایش‌های فطری و غریزی موجودات زنده به سمت تأمین نیازها و وجود سلاقی و استعدادهای گوناگون در میان افراد انسان و نیروی جسمی و فکری او... از جلوه‌های قوانین تکوینی خدا برای روزی مخلوقات است. در قانون خلقت هیچ امر گزارفی وجود ندارد و هر پدیده‌ای براساس قانون و مسیر خاصی جریان پیدا می‌کند که خداوند برایش معین نموده است (قمر، ۴۹؛ زخرف، ۳۲). خداوند در قانون تشریحی خود نیز سهم هر کس را معین فرموده است. اصل اساسی برای سهم بردن، در قانون شریعت، کار است (النجم؛ ۳۹). بنابراین هر کس باید با تکیه بر استعدادهایی که

خداوند برایش قرار داده است به دریافت سهم خود از طبیعت اقدام نماید و این سعی او مورد احترام قرار خواهد گرفت. خداوند حقوق کسانی که به دلایلی خارج از خواست و اراده خودشان محروم مانده باشند، را در اموال اغنیا قرار داده است که یا داوطلبانه خود ایشان آن را ادا می‌نمایند و یا دولت به استیفای آن اقدام می‌کند. بنا بر این خواست و اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که انسان نگرانی معاش نداشته باشد و باید با تلاش فکری و جسمی خود در مسیر این اراده خداوند حرکت نماید. اعتقاد به رازقیت الهی نقش مهمی در ایجاد آرامش روانی و حفظ متانت و پایداری در مقابل حوادث و ناملازمات زندگی ایفا می‌نماید.

ه) مالکیت اصیل خداوند بر همه اموال: در بینش اسلامی مالکیت حقیقی آسمان‌ها و زمین و تمامی موجودات از آن خداوند است (بقره، ۲۸۴). آنچه انسان با استفاده از استعدادها و خدادادی و کار و تلاش خود از طبیعت دریافت می‌کند، صرفاً یک مالکیت اعتباری است که در طول مالکیت حقیقی خداوند به او اعطا شده است. بر این اساس، آزادی تصرف انسان در اموال خود، صرفاً در چارچوبی است که از طرف شرع معین شده است. تأکیدهای فراوان اهل بیت (علیهم‌السلام) بر میانه‌روی در امور معیشتی تأکیدی بر این مدعاست (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۱۶).

این عقیده می‌تواند مبنایی برای گرفتن از اغنیا برای کمک به فقرا قرار بگیرد. اعتقاد به مالکیت خداوند و مسئولیت اخلاقی و ایمانی انسان در نحوه تصرفات مالی خود، زمینه مناسبی برای جلب مشارکت افراد در تکافل اجتماعی و تجهیز منابع آن به وجود می‌آورد؛

و) مشارکت در تکافل اجتماعی راهی برای تأمین نیازهای اخروی: باور به معاد و تداوم زندگی در جهان آخرت، یکی از اصول اعتقادات مسلمانان است که از دو جهت در الگوی تکافل اجتماعی مؤثر است. جهت اول لزوم توجه به نیازهای زندگی اخروی افراد است و جهت دوم رابطه مستقیم تلاش فرد برای تأمین نیازهای اخروی خود و مشارکت او در تأمین نیازهای دیگران است. از این رو قرآن کریم با تبیین وصف‌ها و ویژگی‌های زندگانی اخروی و نوع رابطه‌ای که میان اعمال انسان در دنیا با پاداش‌ها و کیفرهای جهان آخرت وجود دارد، زمینه‌های مناسب برای هدایت رفتار امت اسلامی در این مسیر را پدید می‌آورد. براساس باورهای اسلامی، فرد مسلمان در تخصیص درآمد خود افزون بر نیازهای زندگی دنیایی، نیازهای زندگی بی‌پایان جهان آخرت را هم در نظر می‌گیرد و بخشی از درآمد خود را به مشارکت‌های اجتماعی اختصاص می‌دهد (قصص، ۷۷)؛

ز) نیازمندی انسان به وحی: در دیدگاه اسلام، انسان بنده خدا و جانشین او در زمین است (بقره، ۳۰)، دین آئین بندگی و رسم جانشینی اوست (روم، ۳۰؛ توبه، ۳۶؛ یوسف، ۴۰؛ روم، ۴۳؛ بینه، ۵؛ انعام، ۱۶۱)، بُعد زمانی او تا عالم آخرت امتداد دارد، دارای هویت فردی-اجتماعی در ابعاد وجودی، ملکی و اخلاقی است، موجودی دو بعدی، ذی اراده، دارای قدرت تفکر و تعقل،

هدف‌دار و مسئول و در عین حال بسیار ستمگر، نادان (احزاب، ۷۲)، عجز و حریص است (ر.ک: حسینی ۱۳۷۹، ص ۸۱-۹۹).

انسان با تمامی فضائل و ارزش‌های والایی که بالقوه داراست، ممکن است در اثر انحراف از سرشت اصلی خویش در مسیر هلاکت و سقوط گام بردارد. ناتوانی انسان در مرحله شناخت و ناکارآمدی قوای ادراکی او در تشخیص مسیر سعادت و خیر اجتماعی، موجب نیازمندی او به راهنمایی وحی و تعالیم دینی است. بنابراین عقل انسان در شناخت اهداف نهایی و برخی از اهداف واسطه‌ای و اصول کارهایی که باید انجام شوند از شرع کمک می‌گیرد. کما اینکه برخی از روش‌های رسیدن به اهداف نیز با ارشاد شارع شناخته می‌شوند. به بیان دیگر در چارچوب جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلام استناد صرف بر نیروی عقل حسابگر در محاسبه سود و زیان ناشی از رفتارها کارساز نیست و عمل انسان در صورتی عقلانی و عقلانی خواهد بود که منطبق بر احکام و ارزش‌های دینی هم باشد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۳، ص ۳۳۳-۳۳۶).

مبانی اخلاقی و ارزشی

مبانی اخلاقی و ارزشی در نظام اسلامی دارای تمایزات آشکاری نسبت به مبانی اخلاقی در نظام‌های لیبرال است. در این نظام به دلیل اینکه هدف نهایی، رسیدن به مقام قرب الهی است، هر آنچه مرضی خدای متعال باشد خوب است و لو آنکه با تمایلات نفسانی انسان ناسازگار باشد (توبه، ۷۲). یکی از ویژگی‌های معیار خشنودی خداوند این است که برخلاف معیار لذت‌گرایی که فقط خصلت فردگرایانه دارد، دارای خصلت جمع‌گرایانه نیز هست؛ زیرا براساس معیار خشنودی خداوند، هر کاری که فرد در جهت مشارکت اجتماعی انجام دهد، مستوجب پاداش الهی خواهد بود و بدین طریق، منافع جمعی در زمره منافع فرد داخل می‌شود و مشکل دیرینه عدم هماهنگی بین منافع فردی با منافع اجتماع به‌طور اصولی حل می‌شود. در آیات و روایات صفات و اعمال اخلاقی برخاسته از مبانی یادشده به تفصیل بیان شده است (ر.ک: ری شهری و حسینی ۱۳۸۶، ص ۳۷۳-۳۹۷ و ۴۵۳-۴۶۲).

ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی نقش تعیین‌کننده‌ای در کارکرد نظام تکافل اجتماعی دارند. نظام اخلاقی اسلام به‌گونه‌ای است که مشارکت در تجهیز منابع مالی تأمین اجتماعی افزایش و متقابلاً استفاده از کمک‌های تأمین اجتماعی رسمی را کاهش می‌دهد.

مبانی اقتصادی

در علم اقتصاد معمولاً رفتارهای اقتصادی به سه حوزه تولید، توزیع و مصرف تقسیم می‌شوند. در این قسمت بر مبنای همین تقسیم‌بندی به بررسی مبانی رفتاری الگوی تکافل اجتماعی مطلوب می‌پردازیم.

تولید

موفقیت یک نظام تکافل اجتماعی در گرو وجود منابع کافی برای تخصیص به افراد تحت پوشش آن است و این نیز در گرو وجود یک نظام انگیزشی و اقتصادی است که بتواند به اندازه کافی کالا و خدمات تولید کند. کار و تولید در اسلام از مهم‌ترین عبادت‌ها به شمار می‌رود. تا آنجا که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: عبادت هفتاد جزء است که برترین آنها طلب روزی حلال است (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۷۸، ۶).

انگیزه یک مسلمان از کسب و کار، تأمین معاش خود و خانواده‌اش می‌باشد و اسلام ثواب چنین عملی را مانند ثواب جهاد در راه خدا می‌داند. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که برای تأمین مخارج خانواده‌اش از راه حلال تلاش می‌کند، همانند مجاهد در راه خداست (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۶۸، ۳۶۳۱). در همین راستا اسلام تنبلی و بیکاری و استفاده اختیاری از صدقات را به شدت مذمت کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای گناهکار بودن مرد کافی است که او سربار بر گرده مسلمانان باشد (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۲، ۹) وجود این انگیزه سبب می‌شود که در جامعه اسلامی در درجه اول هر فرد خودش نسبت به تأمین مخارجش اقدام نماید و باری را بر هیچ نظامی تحمیل نکند.

افزون بر این، تولید به قصد کسب درآمد مازاد به منظور سرمایه‌گذاری و تقویت پایه‌های اقتصادی جامعه و کمک به نیازمندان و به‌طور کلی هرگونه تلاش مفید و تولید ارزش افزوده‌ای مادامی که به منظور فخرفروشی و تکاثر نباشد مستوجب پاداش الهی است و اصولاً از دیدگاه قرآن کریم سعادت انسان در گرو تحصیل مازاد درآمد و انفاق آن در راه رضای خداست (آل عمران، ۹۲). وجود چنین انگیزه‌ای سبب می‌شود. پرداخت انفاقات به سیستم تکافلی به سهولت و با انگیزه قوی انجام پذیرد و خود فرد نیز به صورت داوطلبانه در این مسیر به صورت جدی مشارکت می‌نماید. انتظار می‌رود نهادینه شدن فرهنگ اسلامی نسبت به ارزش کار و قبح تنبلی و تکدی‌گری موجب تعدیل عرضه و تقاضای خدمات تکافل اجتماعی گردد.

توزیع

برخلاف نظام سرمایه‌داری که مبتنی بر انباشت و تمرکز ثروت است، براساس روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اسلام رسالت خود را انفاق و توزیع ثروت معرفی نموده است: «لَمْ نُبْعَثْ لِيَجْمَعْ الْمَالِ، وَلَكِنْ بُعِثْنَا لِإِنْفَاقِهِ» (طبرسی، ۱۴۱۸ق، ۳۲۱ ص/ ۱۰۱۸ح). بر این اساس توزیع درآمدی مناسب از جمله مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در تحقق اهداف تکافل اجتماعی است. تکافل اجتماعی مورد نظر اسلام با توزیع درآمد و ثروت رابطه‌ای دوسویه دارد، از طرفی، تعادل در توزیع درآمد و کاهش تعداد افراد زیر

خط فقر هزینه‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر وجود یک نظام تأمین اجتماعی کامل می‌تواند موجبات تعدیل در توزیع درآمد و ثروت را فراهم آورد. بنابراین می‌توان ادعا نمود که یکی از مهم‌ترین عوائد تکافل اجتماعی، کاهش فقر است در این بحث با دورویکرد اقتصاد خرد و کلان اثبات می‌شود که رسیدگی به فقرا موجب گسترش بازار و در نتیجه افزایش رقابت‌پذیری بازار می‌شود و هر قدر که بازار رقابتی‌تر شود، قیمت‌ها در سطح پایین‌تر و تولید در سطح بالاتری خواهد بود که این نیز به نوبه خود به افزایش رفاه اجتماعی به‌ویژه برای طبقات کم درآمد منجر خواهد شد.

مصرف

در اقتصاد مرسوم مفهوم کانونی مسئله تخصیص درآمد، مصرف است و حداکثرسازی مطلوبیت ناشی از آن مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ اما در منابع اسلامی به جای آن بر مفهوم انفاق عام تأکید شده است. این رویکرد مبتنی بر بینش خاص اسلام درباره ابعاد زندگی انسان و تفسیر آن از سعادت وی است. در این بینش رفاه پایدار انسان در دنیا بدون عدالت اجتماعی و معنویت ممکن نیست و برای تحقق هم‌زمان این سه مهم، باید مصالح فرد و جامعه، در رفتارهای افراد با یکدیگر عجین شوند. از این‌رو قرآن کریم به جای مفهوم مصرف بر مفهوم انفاق تأکید کرده است. موارد انفاق در کتاب و سنت آن‌چنان گستره وسیعی دارد که تمام مصالح دنیا، آخرت، فرد و اجتماع را دربرمی‌گیرد. قرار گرفتن مشارکت‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از مجاری اصلی تخصیص درآمد در الگوی تخصیص درآمدی فرد مسلمان همانند وجود عامل خودکاری در درون نظام کل، برای تحقق تکافل اجتماعی است. افزون‌بر این عناصری مانند: فضیلت اعتدال و میانه‌روی، رعایت حد کفایت در معاش، نگاه به پایین دست در سطح معیشت (النظر الی الأدنى معیشه)، کم خرج و پر خیر (قلیل المؤمنه و کثیر المعونه) بودن، قناعت و زهد، حرمت اسراف و اتلاف مال، حرمت تبذیر، حرمت اتراف و تفاخر، حرمت تقتیر، و حرمت مصرف کالاها و خدمات ممنوعه، نیز کارکردهای مثبتی در جهت تحقق اهداف تکافل اجتماعی به جا خواهند گذاشت. برخلاف نظام سرمایه‌داری که رشد مصرف جامعه را از طریق توسعه مصرف طبقه ثروتمند و استفاده از تبلیغات تحریک‌کننده دنبال می‌کرد و این امر از طریق افزایش تقاضا، عرصه را بر سیاست‌های اسلامی تنگ می‌نمود، در جامعه اسلامی مصرف جامعه به صورت متوازن و با رعایت سطح طبقات پایین رشد خواهد نمود. از این‌رو در سیاست‌های فرهنگی و تبلیغی ناظر به رفتار مصرفی، باید بر ارزش‌هایی چون؛ زهد و قناعت در مصرف، نگاه کردن به پایین دست‌تر از خود، انفاق از مازاد درآمد به نیازمندان، پرهیز از اسراف، اتراف، تفاخر و مانند آن تأکید شود و دقت شود که استفاده از سیاست‌های تبلیغی اغواکننده و محرک مصرف‌گرایی عمیقاً با اهداف تکافل اجتماعی اسلامی در تضاد خواهد بود (ر.ک: حسینی، سیدرضا، ۱۳۷۹، ص ۱۹-۲۲).

مبانی اجتماعی

نوع نگرش افراد به روابط میان خود و دیگران و تأثیر و تأثرات متقابل منافع افراد از اهم مبانی تکافل اجتماعی است. از این رو بخش قابل توجهی از نصوص اسلامی و اقدامات معصومان (علیهم السلام) به تبیین ماهیت و اهمیت و نهادسازی مناسب در این زمینه اختصاص یافته است. پس از استقرار مسلمانان در مدینه، اولین اقدام پیامبر ﷺ تأسیس، تقویت و سازماندهی نهادهای اجتماعی برای اعمال سیاست‌های تکافل اجتماعی بود.

خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که کارکردهای مهمی در زمینه حمایت از کودکان، سالخورده‌گان، زنان و آسیب‌دیدگان وابسته ایفا می‌نماید. این نهاد پیش از اسلام نیز وجود داشت و پیامبر اکرم ﷺ به تقویت آن پرداخت (ری شهری و حسینی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۷، ح ۶۳۰). عشیره حلقه دیگری از مجموعه نهادهای اجتماعی است که از به هم پیوستن خانواده‌ها و افراد خویشاوند تشکیل می‌شود. این نهاد نیز کارکردهای مفیدی در زمینه حمایت‌های اجتماعی دارد و پیامبر اکرم ﷺ نیز آن را تأیید نموده است (ر.ک: قابل، ۱۳۸۳، ص ۴۰۱) در برخی جوامع افزون بر مفاهیم یادشده، واحد بزرگ‌تری به نام قبیله نیز وجود دارد که اسلام بر برخی کارکردهای مثبت آن صحه گذاشته است (الکلینی، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۴۰۶).

اسلام، افزون بر این بر عامل وحدت و پیوند مهم‌تر و بالاتری تأکید دارد، که هم از قدرت انسجام بخشی برای پیوستگی کل اجتماع برخوردار است و هم با جهت‌دهی به پیوندهای طبیعی و قرار دادن آنها در مسیر یک هدف واحد، قادر به حل تزاخم میان نهادهای کوچک‌تر است و این عامل چیزی نیست جز وابستگی دینی و ایمانی افراد با یکدیگر. بر پایه مضمون آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل‌عمران، قرآن، ریسمان الهی را به‌عنوان عاملی معرفی کرد که همه افراد، خانواده‌ها، عشایر، اقوام و... باید با چنگ زدن به آن درون جامعه واحدی به نام امت اسلامی جمع شوند و بقیه واحدهای اجتماعی تا آنجا مشروعیت دارند که در مسیر این عامل قرار داشته باشند (توبه، ۲۳ و ۲۴).

پیامبر اکرم ﷺ بر پایه عامل وحدت ایمانی، در اولین ماه‌های استقرار در مدینه دو اقدام بسیار اساسی انجام دادند. اقدام اول تدوین اساس نامه امت اسلامی بود که تمامی آحاد مسلمانان اعم از مهاجرین قریش، انصار مدینه و تازه مسلمانانی که از مناطق دیگر به مدینه وارد می‌شدند را به همدیگر متحد نموده و سایر گروه‌ها مانند یهودیان و مشرکان را با آنها هم‌پیمان نمود (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۶). اقدام دوم پیامبر ﷺ، انعقاد پیمان اخوت میان مسلمانان با الهام از آیه شریفه: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰)، بود.

تکافل اجتماعی از آن جهت که پدیده‌ای است که در ظرف اجتماع رخ می‌دهد، به ناچار پایه‌های آن در بستر جامعه استقرار خواهند یافت. از این رو لازم است مختصات اصلی جامعه‌ای

که قرار است الگوی تکافل اجتماعی در آن پیاده شود نیز مورد بررسی قرار داده شود. جامعه از این جهت که ظرفی برای برقراری روابط فرد با دیگران است حداقل دارای دو رکن اساسی است که عبارتند از روابط و پیوندهای مجموعه افراد با یکدیگر و ارتباط میان افراد و دولت که اولی بیشتر جنبه اجتماعی و دومی جنبه سیاسی دارد.

در اندیشه اسلامی فرد و جامعه براساس سلسله مراتبی از پیوندهای طولی و عرضی با یکدیگر همبستگی دارند (حجرات، ۱۰) و به جای بینش اصالت فردی و تلاش برای ایجاد وحدت تصنعی بر مبنای قرارداد که نتیجه آن محصور ماندن رفتار فرد به محدوده منافع شخصی و رها کردن مصالح اجتماعی به دست تقدیر است، این عقیده وجود دارد که جامعه همانند یک پیکر به هم پیوسته از افراد تشکیل دهنده آن است که همگی باید در صفوف به هم پیوسته (سبأ، ۴۶) در مسیر تکامل الی الله حرکت نمایند. در این نگرش مصالح هیچ جزئی بدون در نظر گرفتن مصالح سایر اجزا ممکن نیست از این رو همگان در مقابل هم مسئولند و هر کسی همان گونه که نیازهای خود را می بیند باید نیازهای دیگران را هم در نظر بگیرد (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷).

اعتقاد به پیوندهای اجتماعی کارکردهای فراوانی در جهت اهداف تکافل اجتماعی دارد. وظیفه زوجین در مقابل یکدیگر، وظیفه والدین در مقابل فرزندان و وظیفه فرزندان در مقابل والدین به ویژه سالمندان، وظیفه فرد در مقابل سایر افراد، مسئله ارث گذاری و ارث بری، وظیفه مجموعه افراد یک نسل در مقابل نسل های، آینده نمونه هایی از آن است.

متقابلاً در برنامه های تکافل اجتماعی هم ایجاد و تحکیم پیوندهای اجتماعی اهمیت زیادی دارد. قرار گرفتن تألیف قلوب در کنار تأمین فقرا و مساکین در آیه ۶۰ سوره توبه که به مصارف زکات اختصاص دارد حاکی از اهمیت این امر است.

مبانی سیاسی

در اندیشه اسلامی دولت علاوه بر اینکه حافظ نظم و امنیت جامعه است، مسئولیت مهم تری به نام برقراری عدالت اجتماعی و مهم تر از آن، زمینه سازی برای رشد و تعالی معنوی مردم بر عهده دارد (حج، ۴۱). از این رو نهاد دولت در نظام اسلامی صبغه ای الهی دارد که از آن به عنوان «حاکمیت امام عادل» تعبیر می شود. قرآن کریم در آیات متعددی، از حاکمان حق به عنوان کسانی یاد می کند که دارای امامت الهی بوده و به فرمان خدا حکومت می کنند (انبیاء، ۷۳؛ سجده، ۲۴) به همین دلیل ملاحظه می کنیم در آیات قرآن، اموالی مانند انفال، فیء و خمس غنائم که در حقیقت متعلق به حکومت اسلامی است، به خدا و پیامبر ﷺ و خویشاوندان او نسبت داده شده است (ر.ک: انفال، ۱ و ۴۱؛ حشر، ۶ و ۷) براساس روایات،

در زمان غیبت امام معصوم (علیه السلام) فقیهان جامع شرایط به نیابت از ایشان مسئولیت تشکیل حکومت را برعهده خواهند داشت (ر.ک: حر العاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۱۴۰ و ر.ک: منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۲۵-۴۹۰). رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره اهمیت حضور چنین دولتی فرمود: یک ساعت حکمرانی پیشوای عدالت پیشه، از عبادت هفتاد سال برتر است؛ و حدی که برای خدا در زمین جاری گردد، [برکتش] از بارندگی چهل روز افزون تر است (کلینی، ۱۳۶۹ ش، ج ۷، ص ۱۷۵). دولت اسلامی همان گونه که در اصل مشروعیت خود برخاسته از مبانی دینی است در قانون گذاری و سیاست گذاری نیز مؤظف است براساس منابع نقلی و استمداد از دانش دینی، قوانین و سیاست های مناسب را برای طراحی و اجرای الگوی تکافل اجتماعی مطلوب تدوین نماید.

واژه شناسی امت اسلامی

در واژه شناسی امت باید به نکات زیر توجه کرد.

۱. لفظ امت از حیث اشتقاق لغوی به ماده «ام» و از حیث دلالت و معنای لغوی به معنای «قصده» برمی گردد. اصطلاح امت^۱ مشترک بین ۴ معنای جماعت (محمد عبده و رشیدرضا، ۱۹۸۰، جلد ۴، ص ۳ و ص ۲۷۶)، دین (انبیاء، ۹۲، مؤمنون، ۵۲، زخرف، ۲۲، زخرف، ۲۳)، زمان (هود، ۸، یوسف، ۴۵) و انسان کامل (نحل، ۱۲۰) است که در بین این ۴ معنا؛ جماعت اصل است؛ بنابراین هر جماعتی را که چیزی به نحوی گرد یکدیگر جمع کند که همگی همسو، متحدالقبله و متحدالجهت باشند می توان امت نامید. سایر معانی مجاز است و به معنای اول برمی گردد؛ دین را جماعت گویند چون باعث اجتماع جماعت می شود؛ زمان را امت گویند چون جماعت در آن شکل می گیرد؛ انسان کامل را امت گویند چون جامع صفات خوب همه جامعه است؛

۱. معانی زیر که در قرآن کریم برای این واژه استعمال شده در زمره همین معنا تلقی می شوند:

(الف) گروهی از مردم که گرد مذهب و دینی جمع می شوند (اعراف، ۳۸؛ یونس، ۱۹)؛

(ب) گروهی از مردم که رسول برای آنان فرستاده شده خواه ایمان آورند یا کافر شوند. در قرآن کریم در ۱۶ مورد واژه امت در این معنا استعمال شده است به عنوان نمونه می توان به آیات (انعام، ۴۲؛ یونس، ۴۷؛ نحل، ۳۶) اشاره کرد؛

(ج) امت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)؛ واژه امت در این معنا گاهی به معنای امت دعوت اطلاق شده است؛ یعنی همه کسانی که دعوت حضرت به آنها رسیده است (زهد، ۳۰). و گاهی نیز به معنای امت اجابت اطلاق شده است؛ کسانی که دعوت اسلام را اجابت کرده اند و از حیث عقیده و شریعت داخل در اسلام شده اند (بقره، ۱۲۸ و ۱۴۳؛ آل عمران، ۱۰۴ و ۱۱۰؛ اعراف، ۱۸۱)؛

(د) گروهی که موقف یا عملی آنها را گرد هم جمع نموده است (اعراف، ۱۵۹؛ اعراف، ۱۶۴؛ قصص، ۲۳؛ آل عمران، ۱۰۴ و ۱۱۳؛ مائده، ۶۶)؛

(ه) زمان، قرن، نسل، اهل زمان واحد (اعراف، ۳۴ و ۳۸؛ یونس، ۴۹؛ حجر، ۵؛ مؤمنون، ۴۳؛ فصلت، ۲۵؛ احقاف، ۱۸؛ بقره، ۱۳۴ و ۱۴۱)؛

(و) گروهی که در مکان واحد زندگی می کنند (اعراف، ۱۶۸)؛

(ز) گروهی که به نسب واحدی برمی گردند مثل شعب و قبیله، بسط (اعراف، ۱۶۰؛ نحل، ۹۲)؛

(ح) جنسی از حیوان (انعام، ۳۸).

۲. اصطلاح امت؛ اخص از اصطلاح جماعت است؛ زیرا تنها به جماعتی، امت اطلاق می‌شود که دارای کیان واحد و انسجامی یکپارچه باشد؛
۳. شاه کلید اساسی در این مفهوم؛ که باعث تبدیل مفهوم جماعت به امت می‌گردد مفهوم قصد و اراده است یعنی سمت و سوی گروه باید یکسان باشد؛
۴. روابط بین امت‌ها در قرآن و احادیث، از امتی به امت دیگر متفاوت و مختلف است. این جوامع از حیث اختیاری و غیراختیاری بودن به دو نوع کلی تقسیم می‌شود. الف) جوامع اختیاری (دین، مذهب، عمل و موقف)؛ ب) جوامع غیراختیاری (زمان، مکان، رسول، جنس، کتاب و نسب).

امت اسلامی؛ دلالت‌ها، ویژگی‌ها، خصائص و الزامات

در آیه ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران، لفظ امت به صورت وصف مضاف به وصف خیریت برای امت حضرت محمد ﷺ آمده است و مقصود از آن امت اجابت است نه امت دعوت. در این سوره برخی از توجیهاات تربیتی و بعضی از تشریحات جهت تربیت امت اسلامی بیان شده تا امت اسلامی بتواند با عمل به آنها، جهت اقامه رسالت عظیم خویش، که همان الگوی جهانی شدن است آماده شوند. قرآن کریم لازمه رسیدن به این هدف بزرگ را در دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، التزام به تقوای الهی، چنگ زدن به ریسمان الهی و دوری از اسباب جدایی و تفرقه می‌داند (آل عمران، ۱۰۱ تا ۱۰۵).

بنابراین امت حضرت محمد ﷺ در بین امت‌ها دارای جایگاهی رفیع است و رسالتی جهانی برعهده دارد و خداوند این امت را برای سایر امت‌ها به‌عنوان رهبر و سرپرست مبعوث فرموده است تا با امر به معروف و نهی از منکر، سایر امت‌ها را رهبری و راهنمایی کنند. البته رسیدن به این قیادت و رهبری مشروط به این است که رسالت حقیقی خویش را ادا نموده و به مقتضیات آن پایبند باشند (آل عمران، ۱۱۰).

در آیه ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...» لفظ امت، به اسم تفضیل خیر، اضافه شده است، در تفضیل وجود مفضل، مفضل علیه و معیار تفاضل الزامی است. در این آیه شریفه امت حضرت محمد ﷺ مفضل است چون امت او مخاطب به این خطاب هستند و مفضل علیه سایر امت‌های انبیا است؛ اما معیار تفاضل یا افضلیت؛ امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خداوند است بنابراین برتر بودن امت حضرت محمد ﷺ بر سایر امت‌ها به سبب وجود خصلت‌های سه‌گانه است و آنها تنها امتی هستند که این سه خصلت را با یکدیگر به صورت یکجا جمع نموده‌اند. این معنا با آنچه پیشتر پیرامون معنای مصطلح قرآنی و حدیثی از «امت» گفتیم سازگار است؛ جماعتی که دارای

قصیدی منفرد هستند و سیمای یکپارچه متمایز واحدهای دارند. در این آیه شریفه ترکیب وصفی (خیر امه)، خبر برای فعل کان واقع شده است؛ با توجه به این نکته ادبی که فعل کان به سیل ابهام، دلالت بر وجود شیء در زمان گذشته دارد و در آن دلیلی بر نبود در زمان گذشته و انقطاع در زمان آینده نیست (زمخشری، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۳۹۲) می‌توان گفت که امت حضرت محمد ﷺ، بهترین امتی است که برای مردم ظاهر شده است «أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» و این برتری امری مقدم بر اخراج این امت است و ارتباطی با وجود آن ندارد همان‌گونه که ورود این برتری به طریق ابهام اشاره می‌کند که این خیریت ارتباطی به زمان معین و مشخصی ندارد و تا هر زمانی که ملتزم به شروط ذکر شده در آیه شریفه باشند این ملاک خیریت را دارا هستند. از سوی دیگر وارد شدن لفظ امت به صیغه نکره و مقید کردن آن به صیغه «أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» دلالت می‌کند بر اینکه دایره برتری شامل همه امت‌های ربانی است که خداوند آنها را برای مردم خارج نموده است و علت این برتری و شرافت، برتری آنها در عمل به امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خداوند می‌باشد.

یکی دیگر از آیات مهمی که در آن ویژگی‌ها و خصائص امت اسلامی بیان شده آیه ۱۰۴ سوره آل عمران «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» است. این آیه شریفه عمل به آموزه‌های اجتماعی-سیاسی همچون امر به معروف و نهی از منکر را محور اصلی امت اسلامی دانسته است. مفهوم (امت) در این آیه همانا جماعتی است که عمل واحدی را انجام می‌دهند؛ این عمل واحد از ۲ بخش مختلف تشکیل شده که مکمل یکدیگر هستند اول: دعوت به خیر؛ که باید با شیوه صحیح انجام گیرد دوم: امر به معروف و نهی از منکر؛ که باید با سلطه همراه باشد. این آیه شریفه با صیغه امر آغاز شده و این بدین معنا است که امت اسلامی واجب است که به‌طور پیوسته دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را در برنامه عملی خویش داشته باشند تا انسجام امت اسلامی زودده نشود.

در ادامه خداوند تبارک و تعالی برای تأکید بر این نکته که ملاک در پوشیدن لباس امت بر جوامع، عمل به باورها است؛ می‌فرماید: که آگاه باشید که همه اصناف یهود فاسق و کافر نیستند، بلکه برخی از آنها اهل حق و صلاح‌اند و به پیامبر ﷺ اسلام ایمان آورده‌اند (همانند عبدالله بن سلام، ثعلبیه بن سعید، اسید بن سعید، اسد بن عیید، کعب بن مالک) خداوند این گروه را به صفاتی چون استقامت اعتقادی و کلامی و عملی بر شریعت الهی «مِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ»؛ شب‌زنده‌داری با تلاوت قرآن و نماز «یتلون آیات الله و هم یصلون»؛ ایمان به خداوند و روز قیامت «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ مبادرت به انجام خوبی‌ها و اعمال صالح «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ» و صلاح «أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» ستوده است. علت اینکه خداوند تبارک و تعالی این جماعت را امت خطاب نموده، همسویی و هم‌جهت بودن آنها در این صفات و ویژگی‌های اخلاقی و عمل‌بدان‌هاست.

در این آیه شریفه اهل کتاب با من تبعیضیه و امت به صورت نکره وارد شده است و این بر اندک بودن تعداد این افراد دلالت می‌کند؛ ولی این کم بودن تعداد، مانع از اطلاق امت بر آنها نشده است. بنا بر این در اطلاق امت تعداد افراد مهم نیست «مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ».

نکته حائز اهمیت اینکه این صفات با فعل مضارع (یتلون، یسجدون، یؤمنون، یأمرون، و...) بیان شده و دلالت بر دوام و استمرار دارد. بنابراین می‌توان اذعان نمود که تشکیل امت اسلامی تنها مخصوص قوم خاص یا امت خاص نبوده؛ بلکه کل جوامع انسانی در تشکیل این امت اسلامی فراخوانده شده‌اند و اسلام ملیت‌ها و قومیت‌ها را تنها برای شناخته شدن و متمایز گردیدن به رسمیت می‌شناسد (حجرات، ۱۳).

تعاملات مسلمانان در لوای امت اسلامی

شاکیه اصلی روابط در امت اسلامی رابطه اخوت و برادری است (حجرات، ۱۰) بنا بر این جامعه اسلامی براساس مرزهای جغرافیایی، هم‌زبانی و... تعریف نمی‌شود، بلکه بر مبنای طریقه واحد داشتن، هم‌فکری و هم‌سوئی که از اساس اسلام شکل می‌گیرد (امت اسلامی)؛ تشکیل می‌شود.

با توجه به اینکه اساس اجتماع و ارتباط بین امت اسلامی، اسلام است و علاقه و ارتباطی تنگاتنگ بین افراد جامعه اسلامی وجود دارد؛ آیه ۷۱ سوره توبه علاقه و ارتباط مؤمنین در جامعه اسلامی را علاقه و لاء گروهی بر گروه دیگر نامیده است «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ...».

ماده (ول.ی) در لغت (مقایس اللغة ماده ولی) به معنی (قرب) می‌باشد و اما در اصطلاح قرآنی؛ مصطلح (ولاء) به شکل اسمی و فعلی در حدود ۱۲۰ مورد وارد شده است (عبدالباقی، ۱۹۹۱، ص ۹۳۱-۹۳۴) در این موارد اگر به (الله) اضافه شود همانند «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره، ۲۵۷) به معنای نصرت و یاری خواهد بود و اگر به «ناس» اضافه شود همانند «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ» (توبه، ۷۱) به معنای تعاون و تناصر خواهد بود. بنا بر همین تقسیم‌بندی، واژه و لاء در این آیه شریفه دلالت می‌کند که ارتباط مؤمنین با یکدیگر در داخل امت اسلامی؛ علاقه و ارتباط تکافل و تعاون و تناصر در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است برخی از روایات اسلامی نیز^۱ بر همین معنا دلالت می‌کنند. در این چنین جامعه‌ای مؤمنین یکدیگر را دوست دارند. این دوست داشتن انعکاسی از این است که آنها خداوند و رسولش را دوست دارند با نهادینه شدن این

۱. المؤمن للمؤمن كالبنيان المرصوص يشد بعضه بعضا؛ مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم، مثل الجسد اذا اشتكى منه عضو تداعى لسائر الجسد بالسهر و الحمى؛ المسلم اخو المسلم لا يظلم ولا يسلّمه، من كان فی حاجة اخيه كان الله فی حاجته، و من فرّج عن مسلم كربه، فرّج الله عنه بها كربه من كرب يوم القيامة و من ستر مسلما ستره الله يوم القيامة؛ لا تحاسدوا و لا تناجسوا و لا تباغضوا و لا تباؤوا و لا يبيع بعضكم عن بعض و كونوا عباد الله إخوانا، المسلم اخو المسلم؛ لا يظلم ولا يحقره ولا يخذله ...

محبت آنها به نیرویی بس عظیم و قدرتی شگرف تبدیل خواهند شد «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده، ۵۵ و ۵۶). اسلام با بنا نهادن بنیان اجتماعی بر پایه ولاء مؤمنین با یکدیگر، هرگونه ولاء با کفار را نفی و امت اسلامی را از آن بر حذر می‌کند (مائده، ۵۷؛ آل عمران، ۲۸؛ مائده، ۵۱؛ توبه، ۲۳ و ۲۴، مجادله، ۲۱) بدیهی است که مفهوم امت اسلامی، تنها در صورتی محقق می‌شود که امت اسلامی به آموزه‌های اسلامی ملتزم باشند؛ نه تنها دعوت به خوبی‌ها در جامعه انجام پذیرد، بلکه باید قضاوت‌ها نیز بر مبنای عدالت شکل گیرد (اعراف، ۱۸۱).

ترابط و تلازم تکافل اجتماعی با امت اسلامی

در دیدگاه اسلام نسبت به همبستگی و پیوندهای اجتماعی تأکیدات فراوانی شده است. «قرآن کریم» آحاد جامعه اسلامی را امت واحده می‌داند (انبیاء، ۹۲) و مؤمنان را برادر یکدیگر معرفی می‌کند (حجرات، ۱۱). براساس فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آحاد مسلمانان اجزای تشکیل دهنده یک پیکرند که استواری هریک در گرو استواری سایر اجزا است «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ شِيدٌ بَعْضُهُ بَعْضًا». بر این اساس قرآن، مسلمانان را به همیاری با یکدیگر فرامی‌خواند (مائده، ۲) و جامعه اسلامی را جامعه‌ای می‌داند که به همنوعان نیازمند خود کمک می‌کنند (معارج، ۲۴ و ۲۵). زکات که در قرآن کریم اعم از زکات مصطلح فقهی و به معنای مطلق انفاقات مالی است همواره در کنار نماز از مهم‌ترین ارکان تربیت اسلام به شمار آمده است. در سوره ماعون، کسانی که به یتیمان و مساکین بی‌توجهی می‌کنند به‌عنوان کسانی که روز قیامت را انکار می‌کنند معرفی شده‌اند (ماعون، ۱ تا ۳) قرآن کریم در ۳۱ مورد با لفظ زکات و حدود ۵۰ مورد با لفظ انفاق و ۱۰ مورد با لفظ صدقه و در مواردی با الفاظ دیگری مانند ایتاء مال و حق المعلوم، حق المصاد و... مؤمنان را به یاری و کمک به نیازمندان فراخوانده است. در فرهنگ اسلامی مفاهیم و نهادهایی چون وقف، قرض الحسنه، ایثار، موااساة، احسان، برّ، معروف، صلّه رحم، هدیه، اطعام خدمت و... ناظر بر همین مسئله‌اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطبه‌ای نخواند مگر آنکه یاران خویش را در آن به صدقه امر فرمود. سیرت شخصی آن حضرت در دستگیری از فقیران و کمک به همنوعان و همچنین موضوع ایثار و انفاق خاندان پاک ایشان در این مسئله بر کسی پوشیده نیست.

از دیدگاه اسلام فقرزایی شرط اصلی و اساسی هرگونه پیشرفت و تعالی جامعه و بالعکس رها کردن طبقات فقر در پیچ و خم مشکلات زندگی و بی‌مسئولیتی نسبت به آنها مایه هلاکت و نابودی است (بقره، ۱۹۵) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سایه این تربیت قرآنی محبت و انفاق بر فقرا و جلب مشارکت آنها در امور اجتماعی را وسیله موفقیت خود قرار می‌داد «كان النبي صلی الله علیه و آله يستفتح و يستنصر بصعاليك المسلمين» (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴). در جنگ بدر وقتی که گروهی

از مجاهدان جوان به دلیل قدرت جسمی برتر خود زمزمه سهم‌خواهی بیشتر نسبت به مجاهدان مسنّ و ضعیف را مطرح نمودند. آن حضرت در مقابل آنان موضع گرفت و فرمود: «الا تستنصرون الا بضعفاتکم» (بخاری، بی تا، ش ۲۸۹۶).

بنا بر این اسلام آحاد جامعه اسلامی را در مقابل یکدیگر مسئول شناخته و مادامی که فقیری در جامعه وجود داشته باشد بر فرد، فرد اغنیا واجب است که نسبت به تأمین نیازمندی‌های ضروری او اقدام نمایند و در غیر این صورت همگی آنها در پیشگاه خداوند مسئول خواهند بود. چنانچه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ عَنِي وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَن ذَلِكَ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸).

از دیدگاه فقهی نیز چنانچه در جامعه افرادی وجود داشته باشند که از تأمین نیازهای اولیه خود عاجز باشند و منابع قانونی مانند خمس و زکات برای تأمین آنها کفایت ننماید بر اغنیا واجب کفایی است که به رفع نیازهای آنها اقدام نمایند. علامه حلی در کتاب قواعد، پس از اشاره به موارد واجب کفایی می‌فرماید:

«و من جملته ... دفع الضرر عن المسلمین و ازالة فاقتهم كاطعام الجائعين و سترالعرأة و اغائة المستغثین فی النایبات علی ذوی الیسار مع قصور الصدقات الواجبه» (حلی، ۱۴۱۳، ص ۴۷۷-۴۷۹).

این حکم چنان که مرحوم صاحب جواهر نیز گفته‌اند از ضروریات دین مبین اسلام است که محتاج به دلیل خاص نیست.

این تکافل به‌عنوان یک برنامه اجتماعی، رابطه مستحکمی با نوع نگرش اسلام به مسئله فرد و اجتماع دارد. در بینش اسلامی، برخلاف مکتب سرمایه‌داری که مبتنی بر اصالت فرد، و نفی اصالت اجتماع است، ضمن اینکه وجود فرد، به‌عنوان یک هویت مستقل قابل پذیرش است، ارتباطات، فعل و انفعالات و تأثیر متقابل افراد نیز به‌عنوان چیزی که حقیقتاً وجود دارد، پذیرفته شده است. استاد مطهری می‌فرماید:

قرآن برای «امت»ها (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قائل است. بدیهی است (امت) اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان، معنا ندارد، اینها دلایلی است که قرآن به نوعی حیات قائل است که حیات جمعی و اجتماعی است؛ حیات جمعی صرفاً یک تشبیه و تمثیل نیست، یک حقیقت است، همچنان که مرگ جمعی نیز یک حقیقت است (مطهری، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۸-۲۰).

اسلام افزون بر آنکه وجود اجتماع را به‌عنوان یک واقعیت مسلم می‌پذیرد، تلاش زیادی هم برای

بارور شدن شناخت انسان‌ها نسبت به این واقعیت انجام می‌دهد. بخش وسیعی از آموزه‌های اسلامی مانند؛ اخوت، مواسات، تعاون، وحدت و... برای تقویت و تحکیم پیوندهای اجتماعی و نهی از گسستن آن وارد شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ براساس این بینش، در جامعه نو بنیاد اسلامی مدینه، با ایجاد پیوند اخوت میان مهاجر و انصار، تمامی عقده‌ها و کینه‌ها را از دل آنان جدا کرد و به جای آن بذر محبت و گذشت را نشانید. آن حضرت با این عمل خود نشان داد که جامعه اسلامی با تکیه بر چنین اصلی چگونه می‌تواند راه سعادت خود را از میان موانع و سنگلاخ‌های موجود طی نماید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

واژه امت اسلامی در فرهنگ دینی واژه‌ای بسیار پرتکرار است؛ از حیث معنایی، مفهوم امت در معنای اصلی خود برای گروهی استعمال می‌شود که با یکدیگر متحد بوده و از انسجام کافی برخوردار باشند. قرآن کریم امت اسلامی را به داشتن ویژگی‌ها و خصائص بارزی همچون دعوت به خیر ستوده است. خیر مفهومی عام و شامل همه خوبی‌هاست و با عنایت به اینکه مرحله دعوت پس از مرحله عمل است، امت اسلامی باید به تمامی خوبی‌ها جامه عمل بپوشاند. تعاون، تناصر و تکافل اعضا با یکدیگر یکی از لوازم این عمل به خوبی‌ها است؛ زیرا امت به مثابه پیکری واحد معرفی شده که ارتباط بین اعضای آن، ارتباطی از جنس ولاء^۱ و دستگیری است. با توجه به اینکه شاکله اصلی امت اسلامی اتحاد و تعاون است؛ لذا امت اسلامی منهای تکافل و تعاون و اتحاد، نه امت خواهد بود نه اسلامی. مطابق با مفاهیم اسلامی تکافل اجتماعی که بر پایه مبانی محکم اعتقادی، اخلاقی و ارزشی، اقتصادی و اجتماعی استوار است، یکتا نسخه درمان دردهای اجتماعی و از هم گسیختگی‌های اجتماعی می‌باشد؛ زیرا جامعه دینی مجموعه‌ای است مرکب از انسان‌هایی که افراد آن توسط ایمان به یکدیگر پیوند خورده و اتحاد یافته‌اند. سعادت و رفاه این جامعه مسئله واحد و مشترک تمامی آحاد آن است که هر کس به تناسب امکانات و ظرفیت‌های خود برای آن می‌کوشد. در واقع افراد جامعه همان‌گونه که نیازهای خود را می‌بینند و برای رفع آن تلاش می‌نمایند، نیازهای جامعه را نیز با دقت تحت نظر گرفته و با این باور که بدون رفع آنها خوشبختی فرد به هیچ روی ممکن نخواهد بود، برای آن برنامه‌ریزی و اقدام می‌کنند و این همان تحقق مفهوم امت اسلامی در جامعه اسلامی است.

۱. الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (توبه، ۷۱).

منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. ابوزهره، محمد (۱۳۵۸ش)، همکاری‌های اجتماعی، ترجمه: محمدمهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲. ابوزهره، محمد (۱۹۹۱)، التكافل الاجتماعی فی الاسلام، قاهره: دارالفکر العربی.
۳. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق)، مکاتیب الرسول، طهران: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا)، صحیح البخاری، ترکیه: استانبول: المكتبة الاسلامیه للنشر و التوزیع.
۵. البهی الخولی (۱۴۰۱)، الثروة فی ظلّ الاسلام، کویت دارالقلم.
۶. پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲ش)، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران، چاپ چهارم.
۷. جعفرعباس حاجی (۱۴۰۸هـ - ۱۹۸۷م)، المذهب الاقتصادي فی الاسلام، القسم الاول، کویت: مكتبة الأثنين.
۸. جمعی از محققین، موسوعه الفقیه، باب الاستغاذه، الجزء الرابع، کویت: وزارة الاوقاف و الشون الاسلامیه.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳)، شریعت در آینه معرفت، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم.
۱۰. حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعه (الاسلامیه)، بیروت: دارا احیاء التراث العربی، چاپ پنجم.
۱۱. حسینی، سیدرضا (۱۳۷۹)، الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف کننده مسلمان، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۲. حمیدی، عبدالکبیر (۱۴۳۱هـ)، مفهوم الامه فی القرآن الکریم و الحدیث الشریف، قاهره: دارالسلام.

١٣. رى شهرى، محمد مهدى و سيد رضا حسيني (١٣٨٦ ش)، التنمية الاقتصادية فى الكتاب و السنة، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
١٤. زمخشرى (١٩٩٥ م)، الكشاف عن غوامض التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التاويل، ترتيب و ضبط و تصحيح: محمد عبدالسلام شاهين، بيروت: دارالكتب العلميه، ط١.
١٥. زمخشرى، محمود بن عمر (١٤١٧ ق)، الفائق فى غريب الحديث، بيروت: دارالكتب العلميه.
١٦. صالح، احمد العلى (١٣٧٥)، حجاز در صدر اسلام، ترجمه: عبدالحميد آيتى، نشر مشعر، چاپ اول.
١٧. صدوق، محمد بن على (١٤٠٤)، من لا يحضره الفقيه، قم: منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلميه، الطبعة الثانية.
١٨. طبرسى، ابوالفضل على (١٤١٨ ق)، مشكاه الانوار فى غرر الاخبار، قم: دارالحدیث، الطبعة الاولى.
١٩. عبدالجبار، محمد (١٩٨٩ م)، الامه فى المفهوم الاسلامى، المنطلق، ع٥٩٤.
٢٠. عبدالله ناصح علوان (بى تا)، التكافل الاجتماعى فى الاسلام، www.abdullahelwan.net، مصر: رشف: دارالسلام للطباعة و النشر و التوزيع، الاصدار الاول.
٢١. عسكرى نيا، ابوالفضل و منال لطفى (١٣٩٠)، روش تحقيق در مديريت، تهران: انتشارات فرانما.
٢٢. علامه حلى (١٤١٣)، قواعد الاحكام، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ج١.
٢٣. فرحات، احمد حسن (١٩٨٣ م)، الامه فى دلائلها العربيه و القرانيه، بيروت: دار عمار، ط١.
٢٤. قابل، احمد (١٣٨٣)، اسلام و تأمين اجتماعى، مؤسسه على پژوهش تأمين اجتماعى، چاپ اول.
٢٥. قرضاوى، يوسف (١٩٩٦ م)، الامه الاسلاميه حقيقه لا وهم، مؤسسه الرساله، بيروت: لبنان، ط١.
٢٦. كلينى، محمد بن يعقوب (١٣٦٩ ش) اصول كافى، تهران: كتابفروشى علميه اسلامى.
٢٧. مجلسى، محمدباقر (١٤٠٣)، بحار الأنوار، بيروت: مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانية.
٢٨. محمد زاهدی اصل (١٣٨٧)، مقدمه اى بر خدمات اجتماعى در اسلام، تهران: دانشگاه علام طباطبائى.
٢٩. محمد عبده و رشيد رضا (١٩٨٠ م)، تفسير القرآن الكريم (المنار)، بيروت: دارالفكر و دارالمعرفه، (د.ت).

٣٠. محمد فاروق التبهان (١٩٧٠م)، الاتجاه الجماعي في التشريع الاقتصاد الاسلامي، بيروت: دارالفكر.
٣١. مطهرى، مرتضى (١٣٥٧)، جامعه و تاريخ، تهران: انتشارات صدرا.
٣٢. منتظرى، حسين على (١٤٠٩)، دراسات في ولاية الفقيه وفقه الدولة الإسلامية، قم: ايران، منشورات المركز العالمى للدراسات الإسلامية.
٣٣. ناصيف نصار (١٩٩٢م)، مفهوم الامه بين الدين و التاريخ، مكتبه الفكر الاجتماعى، ط ٤.
٣٤. هشام جعفر (٢٠٠٠م)، مفهوم الامه و الدين و السلطه، موقع: اسلام اون لاين على شبكه الانترنت، قسم مفاهيم و مصطلحات.

